

حادثه‌ها

همسر مرد ۳ زنه، هوویش را گشت

● زنی که هوویش را به قتل رسانده است، در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد.
اوایل فروردین امسال، زن میان‌سالی با پلیس تماس گرفت و از قتل هوویش توسط همسرش خبر داد. او گفت: شوهرم سه زن دارد و من به همراه یکی از هووهایم در یک ساختمان زندگی می‌کنم. صبح امروز صدای گریه نوزاد هوویم را شنیدم و وقتی به آپارتمان او آمدم، بدن بی‌جان او را کنار نوزادش دیدم. قاتل او همسرم است، آنها با هم اختلاف داشتند. مأموران متوجه شدند زن میان‌سال با هوویش اختلاف شدید داشته و شب قبل از جنایت باهم درگیر شده‌اند و همسر مقتول ساعتی قبل از قتل، خانه را ترک کرده است. با کسب این مدارک، زن میان‌سال به قتل اعتراف کرد و گفت: از وقتی شوهرم با هوویم ازدواج کرده بود، دیگر به من اهمیتی نمی‌داد. همین باعث شده بود نسبت به هوویم حسودی کنم و روز حادثه سراغش رفتم و درست زمانی که هواش به من نبود، به او حمله و وی را خفه کردم. همسرم در سیستان‌بلوچستان پرونده داشت، زمانی که از این ماجرا باخبر شد، ترسید. او می‌تسید زمانی که درباره این جنایت تحقیق می‌کنند، به‌دلیل اتهامی که در سیستان‌بلوچستان داشت، دستگیر شود. ترس از دستگیری باعث شد تا او متواری شود و من تصمیم گرفتم جنایت را به گردن او بیندازم، چراکه نمی‌توانست هیچ دفاعی از خود کند. به‌این‌ترتیب این زن به اتهام قتل عمد بازداشت شد.

اعتراف به خواهر‌کشی

● مردی که خواهرش را به قتل رسانده است، بازداشت شد.
ساعت ۲۲:۳۱: چهارشنبه هفته گذشته مأموران کلانتری شهرک غرب با بازپرس کشیک قتل تماس گرفتند و خبر قتل زن ۶۵ساله‌ای را در خیابان سرو شرقی سعادت‌آباد به بازپرس اعلام کردند.
دقایقی بعد محسن مدیرروستا، بازپرس ویژه قتل پایتخت، در صحنه وقوع جرم حاضر و در تحقیقات اولیه وی مشخص شد این زن توسط برادر ۶۰ ساله‌اش به قتل رسیده است. تحقیقات از برادر مقتول که در صحنه قتل حضور داشت، آغاز شد وی در اظهارتش به بازپرس گفت: پدر و مادرم فوت کرده‌اند، یکی از برادرانم در آمریکا زندگی می‌کند و از محل زندگی خواهر دیگرم خبر ندارم، من و خواهرم مالک و ساکن این ساختمان سه طبقه هستیم؛ روز گذشته به علت بیماری به بیمارستان رفتم و ساعت دو صبح به خانه برگشتم. وقتی وارد راهرو طبقه اول شدم، خواهرم را دیدم که با سنجی، در دست مقابلم ایستاده است. با حالت خشم به من گفت: «تو دنبال خوشگذرانی هستی» و با سنگ به طرفم حمله کرد و ضربه‌ای به دستم زد. من هم او را بلند کردم و به زمین کوبیدم، بعد به واحدم رفتم و تا ساعت سه بعدازظهر خوابیدم. وی افزود: زمانی‌که از خواب بلند شدم تصمیم گرفتم برای خرید از خانه خارج شوم اما وقتی از پله‌ها پایین آمدم خواهرم را به همان شکل غرق در خون دیدم و فهمیدم از شب گذشته آنجا افتاده است. بهت‌زده شدم و تقریباً شش ساعت گیج بودم، حدود ساعت ۹ شب تصمیم گرفتم با اورژانس و پلیس تماس بگیرم. برادر مقتول به قتل خواهرش از اختلاف با سنجی با خواهرش پرده برداشت و گفت از حدود یک سال پیش که مادرم فوت کرد به خانه خواهرم نرفتم. همچنین خواهر مقتول روی تابلو اعلانات ساختمان مطلبی نوشته و خطاب به برادرش گفته بود پول آب و برق مصرفی خودش را بپرداز. پس از اعتراف برادر مقتول به قتل خواهرش، وی به دستور محسن مدیرروستا، بازپرس امور جنایی تهران، بازداشت شد و برای ادامه تحقیقات در اختیار مأموران اداره آگاهی قرار گرفت.

زورگیری در خیابان‌های فرعی

● سه مجرم زیر ۱۸ سال که دست به زورگیری در محله تهرانپارس می‌زدند، توسط پلیس شناسایی و دستگیر شدند.
سه زورگیر سوار بر یک موتورسیکلت مشکین‌رنگ، آرش و جابر را در خیابان ۱۹۶ تهرانپارس شکار کردند و به زور تهدید با چاقو و اسب‌ری اشک‌آور، کوشی موبایل این دو نفر را به سرقت بردند.
دقایقی بعد با اعلام این خبر به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و پس از تأیید صحت گفته‌های شاکیان، همه نقاط خروجی و حساس حوزه تحت‌الحفظ به پیمارسانت منتقل شد.
نظر گرفته شد و آرش و جابر همراه با مأموران نیروی انتظامی به گشت‌زنی و شناسایی سارقان در خیابان‌ها و معابر منتهی به محل وقوع حادثه پرداختند.
درهمین‌حال با اعلام تصادف دو خودرو موتورسیکلت در خیابان ۲۰۲ غربی تهرانپارس از سوی مرکز پیام، واحد گشت نیروی انتظامی به همراه دو شاکي غائله زورگیری، به‌سرعت در محل تصادف حاضر شدند و در این مواجهه مال‌باختگان، یکی از سارقان را که همان مصدوم تصادف بود، شناسایی کردند.
میلا، متهم به زورگیری پس از حضور پلیس در محل حادثه و شناسایی، توسط اورژانس تحت‌الحفظ به بیمارستان منتقل شد.
در رسیدگی به این پرونده، برای دستگیری اعضای دیگر این باند، با تحقیقات پلیس و با استفاده از شیوه تعقیب و مراقبت مخفیگاه، دیگر متهمان در خیابان نیروی هوایی شناسایی و دستگیر شدند و در بازجویی و تحقیقات به عمل‌آمده، متهمان به چندین فقره سرقت و زورگیری اعتراف کردند.

شرق، شهریار کریمی: با چشمان جست‌وجوگرش از پشت

پنجره دوجداره سالان انتظار زندان کسی را جست‌وجو می‌کرد که تا آن زمان او را ندیده بود. او هم مانند سایر زندانیان بند ششم مشاوره با شنیدن خبر کمک‌های مردمی به هم‌بندی‌هایش و نجات آنها از جوبه دار به وجد آمده و امیدوار شده است. «جواد» زندانی متهم به قتل، شهریور سال ۹۰ در پی درگیری‌ای که برادرش با «محمد» داشت، وارد ماجرا می‌شود. او پس از آنکه متوجه می‌شود محمد با برادرش درگیر شده است، به محل درگیری می‌رسد و محمد که متوجه وخامت اوضاع می‌شود، از محل درگیری فرار می‌کند. جواد برای ترساندن محمد او را تعقیب می‌کند و محمد با به فرار می‌گذارد اما حین فرار و بالارفتن از یک تپه سنگی که در نزدیکی محل درگیری واقع شده است، پایش لیز می‌خورد و از تپه سنگی سقوط می‌کند. ارتفاع این تپه آن‌چنان‌که باید زیاد نبود اما برخورد سر محمد به یک سنگ موجب می‌شود ضربه اساسی به جمجمه او وارد شود. در این هنگام جواد به محمد می‌رسد و او را برخورد و دعای امجد با برادرش منع می‌کند. محمد در پاسخ او ناله‌ای می‌کند و به جواد اطمینان می‌دهد دیگر به او و خانواده‌اش نزدیک نخواهد شد. این درگیری ساعت حدود دو بعدازظهر انجام شد اما حدود ساعت هشت شب، وجود جواد پر از آشوب می‌شود و قیافه خون‌آلود محمد مدام ذهن او را درگیر می‌کند؛ به همین دلیل تصمیم می‌گیرد به محل درگیری بازگردد و از حال محمد خبری بگیرد. اما زمانی که به محل درگیری می‌رسد متوجه می‌شود او به دلیل سقوط از آن تپه سنگی، جان خود را از دست داده است. جواد با دیدن جسد «محمد» دچار وحشت می‌شود و از محل حادثه فرار می‌کند. پس از این حادثه، جواد دچار وحشت و افسردگی شدید می‌شود و به مدت دو هفته با هیچ‌کس صحبت نمی‌کند. غذا نمی‌خورد و… . پس از آن به دلیل پیگیری خانواده مقتول، موضوع درگیری فرزندشان با جواد در نزدیکی بازارچه پرویزخان لو می‌رود و مأموران آگاهی قصرشیرین جواد را دستگیر می‌کنند و جواد به درگیری خود با محمد اعتراف می‌کند اما منکر هرگونه ضرب و جرح مستقیم با مقتول می‌شود. جواد در بازجویی‌ها ادعا می‌کند فقط مقتول را تعقیب کرد و مقتول هنگام فرار از یک خاکریز سنگی بالا رفت و سپس سقوط کرد و پس از سقوط هم مدتی با هم صحبت کردند و مقتول به او قول داد دیگر به افراد خانواده‌اش نزدیک نشود. این ادعای جواد پس از بررسی توسط پزشکی قانونی تأیید می‌شود و پزشکی قانونی در گزارشات خود به دادگاه اعلام می‌کند که اثرات ضرب و جرح در جسد محمد مشاهده نمی‌شود. با تلاش وکیل جواد، ثابت می‌شود متهم قصد قتل

حوادث

زندانی محکوم به قصاص در انتظار کمک‌های مردمی

نه بی‌گناه هستم و نه قاتل



محمد را نداشته و محمد به صورت غیرعمد کشته شده است. اما پافشاری خانواده مقتول در اقدام به قتل عمد جواد، تکلیف این پرونده را به مراسم قسامه می‌سپارد و خانواده مقتول با احضار ۵۰ نفر از اقوام نزدیک خود به دادگاه و ذکر قسم و شهادت مبنی بر اینکه آنها یقین دارند متهم پرونده با اقدام به قتل مستقیم موجب قتل محمد را فراهم کرده است، پرونده جواد محکوم به اعدام می‌شود. جواد هم‌اینک در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه به سر می‌برد. او که هنرمندی مستعد در زمینه نوازندگی و خوانندگی است، در امور فرهنگی زندان فعالیت و برای زندانیان کلاس‌های آموزشی موسیقی برگزار می‌کند. «حیدری»، مسئول امور فرهنگی زندانیان، درباره جواد می‌گوید: «او هنرمندی واقعی و اخلاق‌مدار است و در مدتی که در زندان بوده، از واحدهای مختلف زندان که با آنها همکاری نزدیک داشته، گواهی حسن اخلاق گرفته است. او واقعا مستحق کمک است و امیدوارم شرایط فراهم شود که او از زندان آزاد شود». پس از رازینی‌های ریش‌سفیدان دو طایفه، خانواده مقتول اعلام کردند در صورت پرداخت مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان از اجرای حکم قصاص منصرف خواهند شد اما وضعیت مالی نامناسب خانواده جواد پاسخ‌گوی این خواسته نیست. برادر این زندانی در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «جواد هنگام این اتفاق سیرست خانواده و مخارج پدر فلج و همچنین مادر پیرم بر عهده او بود و من هم به خاطر شرایط بد اقتصادی و بی‌کاری به زحمت می‌توانم مخارج خود و همسرم را برآورم. تنها چیزی که داریم تاکسی جواد و منزل پدری‌ما است که با فروش هر دوی آنها شاید بتوانیم ۵۰ میلیون تومان جور کنیم. جواد هنرمند بزرگی است. او از تعداد ۷۲ مقام موسیقی سنتی قمای حدود

۷۰ مقام را در حد استادی می‌نوازد. شما را به خدا به او کمک کنید. او با سازش و صدای گرمش به زندانیان امید می‌دهد و هرکس از مسئولان که او را می‌شناسد، تأیید می‌کند جواد آدم بااخلاقی است. متأسفانه جنگ روی اعصاب تمام مردم منطقه اثر گذاشته و همین موضوع باعث شد کنترل در حرکاتش نداشته باشد. جواد فقط مقتول را دنبال کرد و او خودش از بلندی سقوط کرد». جواد در حال‌حاضر در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه شرایط نامناسبی را سپری می‌کند و چشم‌انتظار کمک‌های مردمی است تا شاید از این طریق بتواند از جوبه دار نجات یابد. افراد خیری که تمایل دارند به این زندانی هنرمند کمک کنند، می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره‌حساب ۰۶۰۶۲۴۲۱۳۱۳۱ بانک ملی ایران هدایای خاص زندان به نام زندانی جواد غلامی (نام زندانی حتما قید شود) واریز کنند.

● **فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان:** با همکاری پلیس آگاهی این شهرستان، یک نفر متهم به سرقت از یک فروشگاه در شهر بوشهر دستگیر شد.

● **فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان:** با همکاری پلیس آگاهی این شهرستان، یک نفر متهم به سرقت از یک فروشگاه در شهر بوشهر دستگیر شد.

● **فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان:** با همکاری پلیس آگاهی این شهرستان، یک نفر متهم به سرقت از یک فروشگاه در شهر بوشهر دستگیر شد.

● **فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان:** با همکاری پلیس آگاهی این شهرستان، یک نفر متهم به سرقت از یک فروشگاه در شهر بوشهر دستگیر شد.

● **فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان:** با همکاری پلیس آگاهی این شهرستان، یک نفر متهم به سرقت از یک فروشگاه در شهر بوشهر دستگیر شد.

● **فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان:** با همکاری پلیس آگاهی این شهرستان، یک نفر متهم به سرقت از یک فروشگاه در شهر بوشهر دستگیر شد.

● **فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان:** با همکاری پلیس آگاهی این شهرستان، یک نفر متهم به سرقت از یک فروشگاه در شهر بوشهر دستگیر شد.

سامان یا چاقو ضربه‌ای به دست عقیل زد و او را به صندلی عقب کشاند. ناگهان مقتول سامان را شناخت. آنها قبلا هم‌محله‌ای بودند. سامان از ترس لورفتن، عقیل را به دره‌ای در جاجرد برد و کشت». سعید نیز در بازجویی‌ها ادعای داوود را تأیید کرد و قتل را گردن سامان انداخت. این در حالی بود که در بررسی‌های همه‌جانبه پلیس، هیچ اثری از سامان به دست نیامد و او به فردی مجهول‌الهویه تبدیل شده بود. با همه اینها، کارآگاهان پرونده را برای صدور حکم در اختیار شعبه ۷۱ سابق کیفری استان تهران به ریاست قاضی عزیزمحمدی قرار دادند. متهمان که در این شعبه با تقاضای قصاص از سوی پدر مقتول مواجه شدند، بار دیگر ادعای بی‌گناهی کردند و قتل را گردن سامان انداختند. آنها این نقش را سال‌ها بعد نیز بازی کردند تا سرانجام، داوود، ۲۲ آذر سال ۹۳ هنگام بررسی مجدد پرونده در دادسرا، به قتل اعتراف کرد و از جزئیات حادثه پرده برداشت. با اعتراف او، پرونده یک‌بار دیگر به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و مورد رسیدگی قرار گرفت. با سامان را ۲۵ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند. به گزارش رکنا، این احکام در حالی پس از ارسال به دیوان‌عالی کشور تأیید شد که هنوز هیچ سرخشی از سامان در دست نیست.

ب‌رود اما به دلیل عجله در فرار از بالای آن تپه پایش لیز خورد و سقوط کرد. این اتفاقی بود که برای من افتاد. من به‌هیچ‌وجه قصد درگیری و کشتن او را نداشتم و فقط خواستم او را بترسانم که دوباره با برادرم درگیر نشود. روحیه من نرم و منعطف است. کسی که اهل هنر و موسیقی باشد، نمی‌تواند روحیه جنایتکارانه داشته باشد، نمی‌تواند آدم بکشد»...

● الان در زندان چه کارهایی انجام می‌دهی؟
من در بیشتر کلاس‌های زندان شرکت می‌کنم. چیزهایی را که نمی‌دانم یاد می‌گیرم و چیزهایی را که بدم تعلیم می‌دهم. در کلاس‌های نماز و احکام شرکت کردم و گواهی پایان‌دوره گرفته‌ام و برای زندانیان مشتاق هنر، کلاس آموزشی سازه‌های سنتی برگزار می‌کنم. در مراسم‌های مختلف هم ساز می‌نوازم و می‌خوانم.

● گویا امور فرهنگی زندان دیزل‌آباد بسیار فعال است. سایر کارهای هنری که در زندان انجام می‌دهی چیست؟

زندانیان در اینجا کارهای هنری خوبی انجام می‌دهند. کارهای دستی ازجمله گیوه‌بافی و گلیم‌بافی و کارهای چوبی بسیار زیبایی می‌سازند و در بازار به‌خوبی فروش می‌روند. هنرمندانی هستند که سازه‌های سنتی می‌سازند که این سازه‌ها واقعا کیفیت بالایی دارند.

● چه چیز باعث شد درخواست ملاقات با روزنامه «شرق» داشته باشی؟

با چاند نفر از زندانی‌هایی که از طریق روزنامه «شرق» و کمک مخاطبان این روزنامه از جوبه‌ه دار نجات پیدا کردند، هم‌بندم و همین موضوع باعث شد در دل من هم امیدی زنده شود. به‌هر حال انسان با امید زنده است و من هم امیدوارم هم‌وطنان خیر و نیکوکار به من هم کمک کنند. آرزو دارم من هم آزاد شوم و برای مردم ساز بنوازم و بخوانم.

● چه انتظاری از مردم داری؟

من به این مردم امید دارم. برای اینکه کسانی را در این زندان نجات دادند که هیچ امیدی به نجات از جوبه دار نداشتند. من توانستم خودم را از قتل عمد برتره کنم اما مراسم قسامه همه‌چیز را عوض کرد. کسانی شهادت به قاتل‌بودن من دادند که در زندگی‌شان حتی یک بار هم سرا ندیده بودند. من نمی‌گویم که بی‌گناهم و یقین دارم اگر من مقتول را دنبال نمی‌کردم، این بلا بر سر او نمی‌آمد. اما من قصد کشتن او را نداشتم. برای من قضاوت مردم مهم است و تا آن زمان درد دلم را با سازهایم در میان می‌گذارم. کاش هیچ‌وقت مقتول را نمی‌دیدم و کاش او را دنبال نمی‌کردم. این اتفاق ممکن است برای هرکسی پیش بیاید و این‌بار تقدیر من این‌طور رقم خورد. من به بخشش خودم و مقتول و هم‌وطنانم نیاز دارم.

رخداد

کلاهبرداری از طریق پیامک حذف یارانه

● معاون حقوقی پلیس فنا نسبت به کلاهبرداری‌های جدید سودجویان از طریق پیامک حذف یارانه هشدار داد.
رضائی، معاون حقوقی پلیس فنا، گفت: متأسفانه به تازگی گزارش‌هایی از کلاهبرداری از طریق پیامک حذف یارانه دریافت کرده‌ایم. معاون حقوقی پلیس فنا تصریح کرد: در این روش کلاهبرداری، سودجویان با درخواست اطلاعات بانکی افراد و حتی دریافت پس‌پورد آنها، شهروندان را فریب داده و به حساب بانکی آنها دسترسی پیدا می‌کردند. رضائی خاطر‌نشان کرد: خوشبختانه پلیس فنا به‌سرعت و از طریق مردم به این موضوع پی برد و با شناسایی وب‌سایت‌های متخلف، موضوع به دادستانی کل اطلاع داده شد و مقام‌های قضائی نیز بلافاصله وب‌سایت‌های کلاهبرداری را فیلتر کردند.

سرقت با سوءاستفاده از ارتباط فامیلی

● شخصی که با سوءاستفاده از اعتماد خوشخواندی اقدام به برداشت غیرمجاز از حساب بانکی این فرد می‌کرد، توسط کارشناسان پلیس فتای استان مرکزی شناسایی و دستگیر شد. سرگرد «مصطفی نوروزی»، رئیس پلیس فتای مرکزی، گفت: در پی شکایت فردی مبنی بر برداشت غیرمجاز از حساب بانکی‌اش، موضوع در دستور کار کارشناسان پلیس فنا قرار گرفت. وی افزود: در پی تحقیقات گسترده و تخصصی کارشناسان پلیس فنا، متهم، خانمی جوان بود که با در دست داشتن حساب شهوخر‌خاله خود، اقدام به برداشت غیرمجاز از حساب وی می‌کرد که شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. این مقام انتظامی استان مرکزی در ادامه گفت: متهم پس از دستگیری از ادعان کرد به با دست‌آوردن اطلاعات حساب شاکي و سوءاستفاده از حسن‌نیت مال‌باخته، اقدام به برداشت غیرمجاز کرده است. رئیس پلیس فتای استان مرکزی اظهار کرد: متهم پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شد.

دستگیری کلاهبردار میلیاردی

● فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان از شناسایی و دستگیری زنی که یک‌میلارد ۲۰۰ میلیون ریال از شهروندان کلاهبرداری کرده بود، خبر داد. سرهنگ «سیدجواد رضوی» اظهار کرد: در پی ارائه شکایت تعدادی از شهروندان برآرجناسی مبنی بر اینکه زنی با ادعای توانایی در اخذ وام‌های کلان در بانک‌های شهرستان مشهد، وجوهی را از آنان اخذ کرده و هیچ‌گونه وامی برای آنان نگرفته بود، اقدامات لازم از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی برای دستگیری متهم آغاز شد. این مقام انتظامی در ادامه افزود: پس از هماهنگی انجام‌شده با دادستان شهرستان دشتستان واخذ مجوز لازم، این خانم در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و برای تحقیقات به پلیس آگاهی دشتستان منتقل شد. سرهنگ رضوی اظهار کرد: متهم در بازجویی‌ها و تحقیقات تخصصی انجام‌شده و در مواجهه با شواهد و قرآن ارائه‌شده از سوی مأموران، به بره انتسابی و اخذ یک‌میلارد ۲۰۰ میلیون ریال از مال‌باختگان اعتراف کرد و پس از تشکیل تکندن و تکمیل تحقیقات، برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی داده شد. فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان از شهروندان خواست به افرادی که با گرفتن پول به شما وعده شغل، کارت پایان خدمت یا معافیت، اخذ وام، گذرنامه، ویزا، گواهی‌نامه و حل مشکلات انتظامی می‌دهند، اعتماد نکنند و برای انجام این موارد از مسیرهای قانونی وارد شده تا گرفتار این کلاهبرداران نشوند.

نقشه‌مادر و دختر برای فروش طلاهای تقلبی

● چهار بدل‌انداز حرفه‌ای طلاهای تقلبی با سرعت عمل پلیس آگاهی شهرستان سبزوار دستگیر شدند. فرمانده انتظامی شهرستان سبزوار گفت: در پی تماس با ۱۱۰ و اعلام گزارشی مبنی بر بدل‌اندازی در یک مغازه طلافروشی در هسته مرکزی شهر سبزوار، تیمی از پلیس آگاهی بلافاصله برای بررسی موضوع وارد عمل شدند. سرهنگ سیدمحمد هاشمی افزود: مأموران پلیس آگاهی با حضور در محل، دو زن را که قصد بدل‌اندازی تعدادی انگشتر تقلبی داشتند، دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل کردند. وی ادامه داد: در بررسی اظهارات متصدی طلافروشی مشخص شد این مادر و دختر پس از ورود به مغازه و ارائه طلاها با فاکتور، قصد تعویض آنها با طلاهای دیگر را داشتند که مورد زگر متوجه تقلبی‌بودن طلاها از سرهنگ هاشمی گفت: متهمان که اهل یکی از استان‌های غربی کشور هستند، در بازجویی‌های به عمل‌آمده به بدل‌اندازی طلاهای تقلبی با همدستی پدر خانواده و یکی از دوستانانشان اعتراف کردند. وی اظهار کرد: با اطلاعات به دست‌آمده دو همدست دیگر آنها در یک میهمان‌سرا در شهر سبزوار دستگیر شدند و مأموران مبلغ ۳۱ میلیون ریال وجه نقد حاصل از فروش طلاهای تقلبی به همراه یک جفت گوشواره طلا را کشف کردند. سرهنگ هاشمی تصریح کرد: متهمان در بازجویی‌های انجام‌شده به پنج فقره بدل‌اندازی طلاهای تقلبی اعتراف کردند. فرمانده انتظامی شهرستان سبزوار خاطر‌نشان کرد: متهمان پس از سیر مراحل قانونی با صدور حکمی روانه زندان شدند.

حوادث باد آورده در پایتخت

شرق، ورزش ناگهانی
باد در تهران موجب وقوع حوادث متعددی شد. در یکی از این حوادث باد موجب افتادن یک طاق نصرت روی سه خودرو، سواری و نیز مصدومیت سه نفر شد.
نصرالله نکر، افسر آماده منطقه پنج آتش‌نشانی، دراین‌باره گفت: بر اثر باد و توفان شدید، دو طرف خیابان ۱۷ شهریور بر اثر سقوط یک طاق نصرت روی خودروهای عبوری بسته شد. آتش‌نشنان با حضور در محل حادثه به دو گروه تقسیم شدند؛ گروه اول با رعایت کامل اصول ایمنی، جریان برق محل حادثه را قطع و به کمک عوامل راهنمایی و رانندگی و نیروی انتظامی، از تردد خودروها و رهگذران در اطراف محل حادثه جلوگیری کردند. نصرالله نفر با اشاره به زخمی‌شدن سه نفر از رانندگان خودروها، تصریح کرد: یک گروه دیگر از آتش‌نشنان پس از بیرون آوردن خودروها از زیر طاق نصرت، مسیر تجمع‌آوری طاق نصرت از خیابان و ایمن‌سازی محل، هرسه مصدوم این حادثه را تحویل عوامل اورژانس دادند.درهمین‌حال جاشدن داربست‌ها از ساختمان نیمه‌کاره‌ای در خیابان کارگر شمالی بر اثر وزش باد،

واژگونی خودرو مسافربر ون در آژاداره

قلم- تهران چهار کشته و هفت زخمی برجای گذاشت. پس از اطلاع‌رسانی این حادثه به سامانه ۱۲۵ از سوی رانندگان خودروهای عبوری در ساعت ۱۱:۰۴ پنجشنبه، آتش‌نشنان به محل رفتند و مشاهده کردند خودرو مسافربر ون با ۱۱ نفر سرنشین به دلیل نامعولمی از مسیر اصلی منحرف و پس از برخورد با موانع و گاردریل کنار آژاداره، در قسمت شانه خاکی واژگون شده که بر اثر این حادثه همه سرنشینان در داخل خودرو گرفتار شده‌اند. آتش‌نشنان با استفاده از تجهیزات ویژه، همه سرنشینان را از خودرو خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس حاضر در محل دادند که پس از انجام معاینات اولیه مشخص شد چهار نفر از سرنشینان شامل سه نفر زن و یک نفر مرد در لحظات اولیه جان خود را از دست داده‌اند. از هفت نفر سرنشین دیگر دو نفر به صورت سربایی مورد مداوا قرار گرفتند و پنج نفر دیگر به علت مصدومیت شدید به مراکز درمانی منتقل شدند.



عکس روز